

قسم به ایران



احمدغلامی

واقعیت‌ها معمولاً کوتاهه و ضربه‌زننده هستند، مگر اینکه در پذیرش آنان درنگ و چون‌وچرا کنیم، پس از آن است که مباحثه‌های توجیه‌گرانه در می‌گیرد تا شکل دگرگون‌شده‌ای از یک واقعیت صریح و شفاف را به آن چیزی بدل کنند که به نگاه و تمایل ما نزدیک باشند. اگر واقعیت‌ها را در نسبت با تجربه‌های تاریخی خود آن واقعیت‌ها و نه تمایل خودمان به آنچه باید باشد ببینیم، به عمق آن نزدیک‌تر خواهیم شد. یرواند آبراهامیان در گفت‌وگویی طولانی درباره ایران با مجله «New Left Review» به نکته مهمی اشاره می‌کند، اینکه آمریکا سیاست خارجی خود را در خاورمیانه به اسرائیل برون‌سیاری کرده است. این واقعیت کوتاه ابعاد گوناگونی دارد که می‌تواند با نگاه‌ها و نگرش‌های کنونی ایرانیان حرف‌های بسیاری داشته باشد و واقعیت‌های بسیاری را بدون کلامی به ذهن متبادر کند.

آبراهامیان باور دارد اسرائیل سال‌هاست که در اندیشه تجزیه ایران است. برای این استراتژی هزینه وقت زیادی صرف کرده است و با امکان بالایی که در اثرگذاری در سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه دارد، این فرصت مغتنمی برای تحقق این سیاست است. این واقعیت کوتاه همان چیزی است که چون‌وچرا ندارد، اما اگر بخواهیم شکل آن را تغییر بدهیم تا با خواسته ما منطبق باشد، دلایلی برای توجیه آن پیدا خواهد شد که به اختلاف دیدگاه‌ها و تعارضات جدی بین ایرانیان منتهی خواهد شد.

یقیناً مرکز بحث ایران خواهد بود و هرکس از نگاه خود از ایران دفاع خواهد کرد. کاری که تاکنون بارها مردم ایران در مواجهه با کشورهای خارجی کرده‌اند؛ برخی راه بیگانه‌ستیزی پیش گرفته‌اند و برخی آن را تنها راه‌حل دانستند. و این مواجهه سابقه تاریخی دور و درازی دارد که اوج آن به دوره «مشروطه» و «پسامشروطه» برمی‌گردد. همه از ایران می‌گویند و کمتر کسی از ایرانی می‌گوید. ایران زمانی مهم است که ایرانی زنده و عزتمند باشد. بدون انسان‌های آزاده و عزتمند، ایران سرزمینی سترون است. این آدمی است که به جغرافیا معنا می‌دهد. این انسان است که معنای زندگی است و هر جا که باشد حیات جاری خواهد بود. در غیاب انسان سکوت طبیعت وهمناک است و موسیقی‌اش رعب‌انگیز. در جنگ ۱۲ روزه، خیابان‌های تهران این چنین بود. انسان‌ها در هر لباس، رنگ، نژاد و فرهنگی قلب زندگی‌اند. با وجود آنان جغرافیا رنگ، طعم و معنا پیدا می‌کند. ایران بدون ایرانیان هیچ ارزشی ندارد. این مردم در هر جای دنیا که باشند با هر عقیده‌ای -چه دوست چه دشمن- ایرانی هستند. توهین به آنها و تحقیرکردنشان همه ایرانیان را آزرده می‌کند. ایران بدون ایرانی سرفراز هیچ ارج و قربی ندارد، حتی برای دشمنان. پس ابتدا باید خودمان را دوست داشته باشیم، بعد همسایه و مردم شهروان را و بعد مردم سرزمینمان را. هیچ چیز نمی‌تواند ایران را نابود کند جز نفرت؛ نفرت از خود، نفرت از دیگری و نفرت از هم‌وطن. عداوت ایرانی علیه ایرانی از هر بومی برای ایران خطرناک‌تر است. واقعیت این است که کسی که به هم‌وطنش شفقت نداشته باشد ایران را دوست ندارد. ستایش افرق‌امیز از ایران سرپوشی برای کینه‌های شخصی است و یکی از سویه‌های کینه‌ورزی دستیابی به ثروت و قدرت است. عاشق ایران تحت هیچ شرایطی مجوز حمله به کشورش را صادر نمی‌کند.

ایران از ایرانی جدا نیست و جدانشدنی است. ایرانیان خوانده‌اند جان هدیه‌ای الهی است و این جان‌آفرین است که حکم می‌کند که جام جان لبریز شده است و هیچ‌کس را چنین اختیاری نیست. ایرانیان و به معنای دیگر مردم مشرق‌زمین بیش از دیگران به جان آدمی باور دارند. مگر نه اینکه یکی از قسم‌های پرکاربرد ایرانیان در کنار «به خدا»، «به جان مادرم» است. ایران مادر همه ماست: «قسم به ایران»، به مردم ایران که جزء کوچکی از آدمیان کره زمین هستند. جمعیت جهان هشت میلیارد نفر است، یک تن است. ما همه آدها یک پیگیریم. آنان که در این پیکره دست به کشتار و جنایت می‌زنند، پاره‌های بیمار این تن هستند. جغرافیا و مرزها بدون انسان بی‌معنا هستند، ما به آنها معنا می‌دهیم نه آنها به ما. ایران اگر پاینده است از ایرانیان است. انسان‌های شریف و زحمتکشی که متحمل رنج و ظلم‌های بسیاری شده‌اند و عزت خود را از دست نداده‌اند. اینک بیش از عشق به ایران باید به ایرانیان بازگردیم، در هر مرام و مسلسلی. ایران بدون مردمش توده‌ای خاک و سنگ و دار و درخت است. آنکه انسان را از خاک ساخته است اشاره‌ای به بی‌بها بودن «آن» داشته است. این «آن» زمانی «او» می‌شود که روح در آن دمیده شود. مهم روح دمیده در انسان است که آن را او می‌کند؛ انسان، انسان ایرانی، واقعیتی بدون تاویل و تفسیر.

شنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۵
۷ ذی‌القعده ۱۴۴۷
۲۵ آوریل ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۶۸
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: پیام مشترک سران قوا؛ متجاوز را پشیمان می‌کنیم • بیانیه اتاق تهران خطاب به بخش خصوصی در واکنش به تعدیل نیرو: «از کارگران محافظت کنید»

گزارش «شرق» از واکاوی نقش مناطق آزاد در دوره پساچنگ با محوریت مگاپروژه تحول وزارت اقتصاد

اقتصاد مرزی در مدار نوسازی

گزارش تیریک را در صفحه ۸ بخوانید



این گزارش از صفحه ۴ بخوانید.عکس: gettyimages

جنگ با ایران راه کاتولیک‌ها را از ترامپ جدا کرد؟

پاپ علیه مسیح خودخوانده

یادداشت

تحلیلی بر آخرین گزارش سازمان ملل درباره افزایش فقر بر اثر جنگ اخیر



محمدحسین عمادی

هرگونه اختلال در این تنگه راهبردی می‌تواند عرضه جهانی نفت و گاز را مختل کرده و به افزایش سریع قیمت انرژی منجر شود. این افزایش قیمت نه‌تنها هزینه تولید و حمل‌ونقل را بالا می‌برد، بلکه از طریق افزایش قیمت کودهای شیمیایی -که وابستگی زیادی به انرژی دارند- بخش کشاورزی و امنیت غذایی را نیز تحت فشار قرار می‌دهد. در نتیجه، شوک انرژی به صورت غیرمستقیم به افزایش قیمت مواد غذایی و کاهش دسترسی اقشار آسیب‌پذیر به منابع حیاتی منجر می‌شود. و مهم‌تر آنکه دسترسی به غذا برای کشورهای واردکننده مواد غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فرایند، در عمل، کارکردی مشابه تحریم‌های گسترده اقتصادی پیدا می‌کند که از طریق محدودسازی عرضه و افزایش هزینه‌ها، سال‌هاست که معیشت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳- نقش مخرب اما خاموش تحریم‌ها در این تحلیل فراموش شده است.

یادداشت

نظام جهانی سرمایه‌داری و جنگ تمدنی ۲۰۰۰ ساله با ایران



مهرداداحمدی شیخانی

از سال‌ها پیش بر این باور بودم که مسیر طی‌شده بین ایران و آمریکا، نهایتاً به جنگ ختم خواهد شد، هرچند در دو سوی ماجرا، سعی بر توافق برجام، تلاشی بود که این مسیر به جنگ نرسد. ولی بودند کسانی در هر دو طرف که اصرار داشتند جز با جنگ و نابودی کامل طرف مقابل، هر محصول دیگری، نامطلوب است. با آنچه در همه این سال‌ها در طرف خودمان می‌گذشت آشنایم و گفتن و برشمردن مجدد شواهد، از حجم این یادداشت بیرون است و قصد تکرار آنچه پیش از این بارها گفته شده نیست.

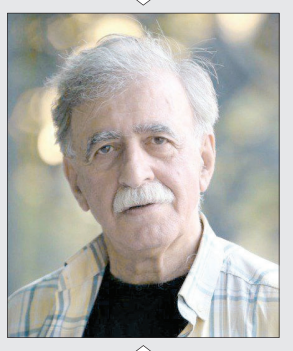
بنابراین آنچه اینجا می‌آورم اشاره‌ای به چرایی تصمیم سوی دیگر ماجراست. در این داستان ۲۷ساله، آنچه ما دیده‌ایم و آنچه بیشتر بر آن تمرکز داشتیم، اولاً شواهد نزدیک خودمان بوده، ثانیاً آن شواهد که اثبات‌کننده نظریان باشد و اغلب از چنین شواهدی نتیجه گرفته‌ایم این ایران است که مانع رسیدن به توافق است و در این بین، یکی از شواهد بسیار قدرتمند در طرف مقابل را یا ندیده‌ایم یا چندان مهم ارزیابی نکرده‌ایم و آن شاهد هم این است که اوپاما و دولت وقت آمریکا در توافق‌نامه برجام، هیچ‌گاه آن را به تصویب نگذره و سنا نرساند، آن هم با وجود اینکه اوپاما در مجلس کشور خود از حمایت برخوردار بود و این نشان می‌دهد که در آن سوی نیز مخالفان عادی‌سازی روابط، بسیار قدرتمند بودند. البته می‌توان این مخالفت حتی بنیادین را به لایق قدرتمند اسرائیل در آمریکا نسبت داد، ولی به احتمال زیاد، همه این مخالفت، به این لایب بازمی‌گردد.

در همین جنگ اخیر، لیبندی سرمایه‌گش کشورمان (و نه فقط جمهوری اسلامی) را نمایندگی می‌کند

گفت «حالا فرصتی فراهم شده تا یک بار برای همیشه به این جنگ ۲۰۰۰ ساله پایان دهیم». دقت کردید؟ او از جنگی دوهزار ساله می‌گوید، آن هم وقتی جمهوری اسلامی فقط ۴۷ سال و خود آمریکا، تنها ۲۵۰ سال سن دارند. به عبارتی، لیبندی گراهام تفکری را نمایندگی می‌کند که این تخاصم را به دو هزار سال پیش و جنگ بین ایران و یونان و جنگ بین ایران و روم بازمی‌گرداند. نه تعارض ۴۷ ساله بین ایران و آمریکا. به تعارض بسیار قدیمی که شاید نشانه‌اش در جنگ ماراثن باشد که سسمیلش در دوی ماراثن، امروز تثبیت شده تا یامدان هر یک تعارض دوهزار ساله وجود دارد و ربطی هم به جمهوری اسلامی ندارد و حالا فرصتی پیش آمده که یک بار برای همیشه با نابودی «تمدن ایران» و نه نابودی جمهوری اسلامی، به این جنگ دوهزار ساله پایان داده شود. آن‌وقت است که این گفته ترامپ که «ایران را به عصر حجر بازمی‌گردانم و تمدنش

گفت‌وگو با همایون اسعدیان، مدیرعامل خانه سینما

حمله به مدرسه میناب یک تراژدی تاریخی است



برگزیده‌ها

«شرق»، تبعات و سناریوهای پیش‌روی کشور در صورت تأخیر در مذاکرات را واکاوی می‌کند

سیاست روی دور کند

حولات به پتروشیمی‌های کشور، صنایع تجهیزات پزشکی و بهداشتی، دارو و مواد غذایی را تحت تأثیر قرار داده است

جنگ علیه بیماران و معلولان

واکاوی تبعات قطع اینترنت بر زیست‌بوم سلامت در روزهای جنگ

وقتی درمان عقب‌رفت

گزارش «شرق» از وضعیت بیمارستان‌های روان‌پزشکی و بیماران آنها در ۴۰ روز موشکباران

انفجار، اضطراب و اختلال؛

روایتی از بیماران «روان» در جنگ

نگاه

جنگ و صلح، دو روی اندیشه توسعه ایران است

میهن‌گران‌بهای ما

یادداشتی از حسن فتاحی

دنیای این روزهای ما

تنش



رامین خسروخاور

در دنیای این روزهای ما، آنچه دیروز «عادل» می‌نامیدیم، امروز بر دوش «تنش» ایستاده است؛ نیرویی نهان که بی‌صدا می‌خزد و بی‌اعلان اثر می‌گذارد؛ در سازه‌ها رخنه می‌کند، در خانواده‌ها رسوخ می‌یابد و در هر فرایند، خود را به شکلی تازه آشکار می‌سازد. نه آرامش را به رسمیت می‌شناسد و نه ایستایی را؛ هم هشدار است و هم آزمون، هم فرسایش می‌آورد و هم گاه استواری می‌آفریند.

زندگی، در ظاهر آرام، در باطن زیر‌بار است؛ سازه‌های پیچیده از نیروهای در تضاد که هر لحظه بر آن فشار می‌آورند و تعادلش را شکننده نگه می‌دارند. اقتصاد خانواده، روشن‌ترین تصویر این وضعیت است؛ درآمدی محدود، هزینه‌هایی ناگزیر، قرض‌هایی کوچک و آرزوهایی ساده که همگی بر نقطه‌ای واحد متمرکز می‌شوند؛ گویی کابلی نازک که هر بار اضافی، آن را به لرزش می‌اندازد.

در چنین مداری، هر تصمیم کوچک، هر تأخیر جزئی و هر نوسان ناگهانی، قیمت، باری تازه بر این سازه طریف است؛ باری که نه‌فقط بر حساب‌ها، که بر ذهن و دل و امید سکنین می‌کند. اینجاست که تنش، چهره دوگانه خود را آشکار می‌کند: هم تهدید است و هم هشدار؛ هم می‌تواند فرسودگی بیافریند و هم آینه‌ای باشد که نشان دهد سیستم به مرزهای خود نزدیک شده است. در مهندسی، چنین نشانه‌هایی فرصتی برای اصلاح هستند؛ در زندگی نیز گاه مکنی کوتاه یا محاسبه‌ای دقیق می‌تواند مسیر را از گسیختگی دور نگه دارد.

فهرست ناشرین آگهی های ثبتی سال ۱۴۰۵ کشور	
رجوع به صفحه ۶ و ۷	م الف ۲۲۶ شناسه آگهی ۲۱۶۱۱۴۹